تازه‌های اقتصاد

یکشنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۵
۱ ربیع الثانی ۱۴۴۸
۱۳ سپتامبر ۲۰۲۶
۴ صفحه
شماره ۱۱۹



دیدار دادستان کل کشور با رئیس کل بانک مرکزی

صفحه ۲

ایران شرط بازگشایی تنگه هرمز را بازگشت آمریکا به تفاهم اسلام آباد اعلام کرد

تنگه هرمز چگونه باز می‌شود؟



تنگه هرمز در آستانه یک ابتکار دیپلماتیک منطقه‌ای قرار گرفته است؛ ابتکاری که قرار است با محوریت عمان، مسیر تازه‌ای برای عبور و مرور دریایی در این آبراه ترسیم کند، اما تهران تأکید دارد که این مسیر به معنای بازگشایی تنگه هرمز نیست و بازگشایی کامل آن به بازگشت آمریکا به تعهدات خود در تفاهم‌نامه اسلام‌آباد گره خورده است.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران در گفت‌وگو با العربی الجدید اعلام کرد که «دستورکار نشست عمان، مسیر دریایی جدید در تنگه هرمز است» و ایران جزئیات توافق خود با عمان و نقشه‌های مرتبط با این مسیر را در اختیار کشورهای شرکت‌کننده قرار خواهد داد.

عراقچی با تأکید بر اینکه توافق تهران و مسقط به معنای بازگشایی تنگه هرمز نیست، تصریح کرد: «شرط ایران برای بازگشایی این آبراه، بازگشت آمریکا به تعهداتش در تفاهم‌نامه اسلام‌آباد است.» به این ترتیب، نشست عمان قرار نیست صرفاً درباره باز یا بسته بودن هرمز تصمیم بگیرد، بلکه قرار است سازوکاری برای مدیریت عبور و مرور دریایی و کاهش آثار بحران بر تجارت و امنیت منطقه بررسی شود؛ سازوکاری که در صورت موفقیت می‌تواند نخستین گام برای بازگشت به یک وضعیت باثبات‌تر در مهم‌ترین آبراه انرژی جهان باشد.

مسیر دریایی جدید چگونه شکل می‌گیرد؟

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران نیز در گفت‌وگو با شبکه هندی ایندیا تودی از نهایی شدن تفاهم تهران و مسقط درباره مسیر دریایی خبر داد و گفت دو کشور در این زمینه به یک چارچوب مشخص دست یافته‌اند.

به گفته رئیس‌جمهور، قرار است وزرای خارجه کشورهای منطقه در نشست عمان درباره این چارچوب گفت‌وگو کنند و پس از دستیابی به تفاهم، وضعیت مربوط به این مسیر به سازمان بین‌المللی مرتبط با امور دریایی اعلام شود.

پزشکیان گفت: «در چارچوب قوانین بین‌المللی مسیر دریایی باز خواهد بود، به شرطی که آمریکا دست از تهاجم و تجاوزهای ناجوانمردانه بردارد.»

بنابراین، آنچه فعلاً روی میز قرار دارد، یک مسیر مشخص برای عبور کشتی‌ها در چارچوب قوانین بین‌المللی است؛ نه توافقی که به‌تنهایی وضعیت حقوقی و امنیتی تنگه هرمز را به حالت پیش از بحران بازگرداند. همین تفکیک در مواضع عراقچی نیز دیده می‌شود. تهران از یک سو با ابتکار عمان برای ایجاد مسیر دریایی همکاری کرده و از سوی دیگر تأکید دارد که بازگشایی کامل آبراه نیازمند حل ریشه‌ای‌تر اختلافات با آمریکاست.

چرا آمریکا در مرکز معادله هرمز قرار گرفته است؟

در روایت رسمی ایران، بحران کنونی هرمز را نمی‌توان از درگیری میان تهران و واشنگتن جدا کرد. تهران معتقد است کشورهای منطقه هدف مستقیم ایران نبوده‌اند و مسئله اصلی، حضور نظامی آمریکا و استفاده از پایگاه‌های این کشور در منطقه است.

پزشکیان در گفت‌وگو با ایندیا تودی با اشاره به روابط ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس گفت: «ما با هیچ‌یک از کشورهای منطقه مشکل نداریم. با پایگاه‌هایی که آمریکا در این کشورها دارد و از همان پایگاه‌ها به کشور ما تجاوز می‌کند، مشکل داریم.» ادامه خبر در صفحه ۲

یادداشت

دیپلماسی ارزی زیر فشار تحریم



رحمان سعادت
اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه سمنان

بانک مرکزی در یکی از حساس‌ترین مقاطع اقتصاد ایران قرار دارد؛ مقطعی که تأمین ارز دیگر صرفاً یک مأموریت اقتصادی نیست، بلکه با ثبات پول ملی، معیشت خانوار، استمرار تولید و حتی امنیت اقتصادی کشور گره خورده است.

عبدالناصر همتی در دومین دوره حضور خود در رأس بانک مرکزی، با شرایطی مواجه است که سیاست‌گذاری ارزی را دشوارتر کرده است. حل بخش مهمی از مسائل اقتصادی بدون دسترسی به منابع کافی ارزی امکان‌پذیر نیست و ارز نیز مانند گذشته به‌سادگی در دسترس نیست. بنابراین برای تأمین ارز باید فعالانه به سراغ بازارها، شرکای تجاری و منابع ارزی رفت. از همین رو، تحرکات دیپلماتیک رئیس بانک مرکزی، از حضور در اسلام‌آباد و سفر به دهلی‌نو و اجلاس بریکس تا سفر به بغداد برای پیگیری و وصول منابع ارزی ایران، اهمیت بیشتری یافته است. در شرایطی که نرخ دلار از مرزهای تاریخی عبور می‌کند، دیپلماسی ارزی می‌تواند یکی از ابزارهای حفاظت از ارزش پول ملی باشد.

امروز مسئله اصلی تنها نرخ ارز نیست، بلکه جریان ورود ارز به کشور است. حتی در روابط با برخی کشورهای دوست نیز دسترسی به منابع ارزی آسان و بدون هزینه نیست؛ بنابراین برای تأمین ارز باید فعال بود، مذاکره کرد، بازار هدف پیدا کرد و سفر کرد.

از سوی دیگر، «امنیت ارزی» باید یکی از محورهای امنیت اقتصادی کشور باشد؛ چراکه تولید، سرمایه‌گذاری، واردات مواد اولیه و تجهیزات و پروژه‌های عمرانی به جریان ارز وابسته‌اند. کاهش درآمد ارزی نیز می‌تواند هزینه تولید را افزایش داده و سرمایه‌گذاری و پروژه‌های توسعه‌ای را به تأخیر بیندازد. در این شرایط، دولت چهاردهم باید همزمان «تأمین ارز» و «تخصیص هوشمند ارز» را مدیریت کند. هر سفر رئیس بانک مرکزی نیز باید هدف ارزی مشخصی مانند آزادسازی منابع، وصول مطالبات، توسعه همکاری‌های پولی و بانکی یا تسهیل تجارت داشته باشد و معیار موفقیت آن، میزان منابع ارزی قابل دسترس برای اقتصاد ایران باشد.

اقتصاد ایران امروز بیش از هر چیز به «ارزِ در دسترس» نیاز دارد؛ بنابراین دیپلماسی ارزی باید از حاشیه به متن سیاست اقتصادی کشور منتقل شود و هر سفر رئیس بانک مرکزی به یک دستاورد ارزی تبدیل شود.



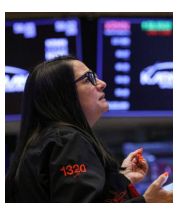
شیل آمریکا از جهش نفت جا ماند

۳



توافق‌های بریکس نباید روی کاغذ بماند

۴



سیاست پولی سخت‌گیرانه به جهان برمی گردد

۳

گشتی در اخبار

ترخیص ۳,۲ میلیون تن کالای اساسی

فرود عسگری، رئیس‌کل گمرک اظهار کرد: ۳.۲ میلیون تن انواع کالاهای اساسی وارداتی در جریان جنگ ۱۲روزه و جنگ تحمیلی سوم ترخیص شد و گمرک در این دوره حساس با مشکل خاصی مواجه نشد.
وی خبر داد: این کالاها شامل ذرت، کنجاله سویا، روغن خام، دانه‌های روغنی، سایر اقلام اساسی، تجهیزات پزشکی و دارو بوده است.
عسگری با عالام تجارت ۲ میلیارد دلاری ایران با اوراسیا در حوزه واردات و صادرات در امسال گفت: در مرز باید یک دستگاه تصمیم نهایی را اتخاذ کند و گمرک مسئول هماهنگی در مرز است؛ بر این اساس، با مساعدت رئیس‌جمهور، از مهرماه امسال این طرح به مرحله اجرا درمی‌آید.

دیدار دادستان با همتی

عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی و حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمد موحدی‌آزاد، دادستان کل کشور، دیدار کردند.
همتی در مسیر عزیمت برای شرکت در اجلاس رؤسای کل بانک‌های مرکزی کشورهای اسلامی و دادستان کل کشور نیز در مسیر بازگشت از اجلاس دادستان‌های کل کشورهای عضو اکو، با یکدیگر ملاقات و درباره همکاری‌ها و موضوعات مشترک قوه قضائیه و بانک مرکزی گفت‌وگو و تبادل نظر کردند.

هشدار سازمان مالیاتی به مودیان

طبق اعلام سازمان امور مالیاتی کشور، امسال با توجه به شرایط کشور مهلت ارائه اظهارنامه مالیاتی اشخاص حقوقی تا پایان شهریورماه تمدید شد.
براساس این اطلاعیه، پایان شهریور آخرین فرصت برای ارائه اظهارنامه مالیاتی اشخاص حقوقی است و مجوزی برای تمدید این مهلت صادر نشده است، لذا هر گونه گمانه‌زنی و شایعه در خصوص احتمال تمدید این مهلت بی‌پایه و اساس است.

برکناری روسای ۱۱ رئیس شعبه متخلف

بانک مرکزی خبر داده، دستور اقدام انضباطی بازدارنده برای ۱۱ رئیس شعبه که با عدم انجام تکالیف قانونی، زمینه لازم برای سواستفاده برخی افراد در بازار ارز و طلا را فراهم کرده بودند، صادر شد.
همچنین بانک مرکزی، ۱۰ مؤسسه اعتباری متخلف در ارتباط با برخی تراکنش‌های مشکوک به پولشویی که منجر به اخلال در بازارهای پول ارز و فلزات گرانبها می‌شوند را جریمه کرد.

عقبگرد ۵۰۰۰ تومانی دلار

قیمت دلار در پایان معاملات امروز نسبت به روز گذشته ۵ هزار تومان کاهش یافت و به ۲۲۸ هزار تومان رسید. همزمان با عقبگرد دلار در بازار آزاد ارز ایران، قیمت طلا و سکه روند نزولی را تجربه کرد و ارزش هر گرم طلای ۱۸ عیار به ۲۳ میلیون تومان رسید.

دیپلماسی فعال بانکی در برابر تحریم؛ رئیس کل در ترکیه

سفر رئیس‌کل بانک مرکزی به ترکیه و شرکت در اجلاس رؤسای کل بانک‌های مرکزی کشورهای اسلامی را می‌توان حلقه‌ای از تلاش برای توسعه تجارت و کاهش آسیب‌پذیری مالی در برابر تحریم‌ها دانست.



به گزارش خبرنگار تازه‌های اقتصاد؛ تجارت خارجی فقط با فروش کالا شکل نمی‌گیرد؛ پشت هر محموله صادراتی یا وارداتی، یک مسیر پرداخت، تسویه، انتقال ارز و تأمین مالی قرار دارد. در شرایطی که تحریم‌ها استفاده ایران از بخشی از شبکه بانکی بین‌المللی را محدود کرده، توسعه زیرساخت‌های پولی به اندازه پیدا کردن بازارهای تازه اهمیت پیدا کرده است.
سفر رئیس‌کل بانک مرکزی به استانبول را می‌توان در همین چارچوب ارزیابی کرد؛ حلقه‌ای از تحرکات چندماهه‌ای که هدف آن گسترش روابط پولی با کشورهای منطقه و اقتصادهای مستقل است.
عبدالناصر همتی روز یکشنبه ۲۲ مرداد در رأس هیأتی برای شرکت در اجلاس رؤسای کل بانک‌های مرکزی کشورهای اسلامی عازم استانبول شد. وی علاوه بر حضور در اجلاس، دیدارهایی با مقامات کشورهای عضو برای توسعه همکاری‌های بانکی و تجاری و بررسی سازوکارهای جدید مبادلات خواهد داشت. سفر استانبول پس از سفرهای امسال رئیس‌کل بانک مرکزی به پاکستان، قطر، هند و عراق انجام می‌شود؛ سفرهایی که بخش قابل توجهی از آنها به مسائل پولی، ارزی و تسهیل تجارت اختصاص داشته است.

استانبول، ادامه مسیری که از هند گذشت

با این حال، سفر ترکیه را نباید یک اتفاق منفرد دید. یک ماه قبل، همتی برای شرکت در اجلاس وزرای دارایی و رؤسای بانک‌های مرکزی بریکس به هند رفت. در آن نشست، ایران پیشنهاد ایجاد کریدور مالی بریکس، اتصال شبکه‌های پرداخت ملی و توسعه استفاده از ارزهای ملی را مطرح کرد. موضوع عضویت ایران در بانک توسعه جدید بریکس نیز در همین چارچوب پیگیری شد.
همتی در حاشیه همان نشست با سانجی مالهوترا، رئیس بانک مرکزی هند، نیز درباره توسعه همکاری‌های پولی و بانکی، تسهیل مبادلات و استفاده از ظرفیت سازوکارهای چندجانبه گفت‌وگو کرد.
تحرکات اقتصادی در سطح سیاسی نیز ادامه یافت و مسعود پزشکیان، رئیس جمهور این هفته برای شرکت در اجلاس سران بریکس به دهلی‌نو رفت؛ اجلاسی که یکی از محورهای آن تقویت همکاری اقتصادی میان اعضا و کاهش آسیب تجارت جهانی از اقدامات یک‌جانبه بوده است.
حضور هم‌زمان اقتصادهای بزرگی مانند چین، هند و روسیه در کنار کشورهای منطقه‌ای از جمله ایران و امارات، ظرفیت بریکس را برای ایجاد مسیرهای تازه همکاری مالی و تجاری افزایش داده است.

دیپلماسی بانکی چه چیزی را می‌تواند تغییر دهد؟

یک اقتصاد تحریم‌شده می‌تواند با متنوع‌کردن شرکای تجاری، توسعه تسویه با ارزهای ملی، اتصال سامانه‌های پرداخت، استفاده از سازوکارهای مالی چندجانبه و کاهش وابستگی به تعداد محدودی از کانال‌های مالی، هزینه و آسیب‌پذیری تجارت خارجی خود را کاهش دهد.
تجربه بریکس نیز نشان می‌دهد بحث اصلی دیگر صرفاً «حذف دلار» نیست. کشورها بیشتر به سمت ایجاد زیرساخت‌هایی حرکت می‌کنند که پرداخت فرامرزی را با شبکه‌های ملی، ارزهای محلی و در آینده حتی ارزهای دیجیتال بانک‌های مرکزی امکان‌پذیر کند.
از این منظر، سفرهای اخیر رئیس‌کل بانک مرکزی از اسلام‌آباد و دوحه تا جیپور، بغداد و اکنون استانبول را می‌توان بخشی از تلاش برای افزودن مسیرهای بیشتر به نقشه مالی تجارت ایران دانست. اهمیت این سیاست زمانی مشخص‌تر می‌شود که هر مسیر تازه، وابستگی تجارت ایران را به یک کانال خاص کمتر کند. در این میان اگر سفر استانبول به همکاری‌های عملی بانکی، تسهیل تسویه تجارت و پیوندهای پایدارتر میان شبکه‌های مالی منجر شود، اهمیتی فراتر از روابط دوجانبه با ترکیه خواهد داشت. موضوع اصلی، ساختن شبکه‌ای متنوع‌تر از روابط اقتصادی است تا تجارت ایران در شرایط فشار خارجی گزینه‌های بیشتری برای ادامه فعالیت داشته باشد.

تنگه هرمز چگونه باز می‌شود؟

ادامه خبر از صفحه یک ... او کشورهای منطقه را «برادر» خواند و با اشاره به سابقه طولانی تجارت و همکاری میان ایران و همسایگان، تأکید کرد که کشورهای منطقه می‌توانند خود مسئولیت امنیت و ثبات منطقه را بر عهده بگیرند. این موضع با دیدگاه عراقچی نیز همسو است.

گره هرمز به تفاهم اسلام‌آباد

شرطی که عراقچی برای بازگشایی کامل هرمز مطرح کرده، مستقیماً به مذاکراتی بازمی‌گردد که پیش‌تر با میانجیگری پاکستان انجام شده بود.
پزشکیان درباره این روند گفت ایران آماده مذاکره در چارچوب قوانین بین‌المللی است، اما خواسته تهران روشن بوده است: آمریکا تحریم‌ها را بردارد، از یک‌جانبه‌گرایی دست بکشد، از اعمال فشار از طریق زور خودداری کند و مسیرهای ارتباطی و تجاری را باز کند.
رئیس‌جمهور ایران تأکید کرد: «ما آماده‌ایم در چارچوب قوانین بین‌المللی و بر اساس ارتباطات منطقی در دنیا، تعاملات خود را با همه داشته باشیم.»
از این منظر، مسئله هرمز بخشی از یک معادله بزرگ‌تر است. تهران معتقد است نمی‌توان از امنیت پایدار کشتیرانی سخن گفت، اما همزمان فشار اقتصادی، تحریم و درگیری نظامی ادامه داشته باشد.
به همین دلیل، ابتکار عمان را می‌توان در دو سطح دید: در کوتاه‌مدت، تلاش برای ایجاد مسیر و چارچوبی برای عبور کشتی‌ها؛ و در بلندمدت، تلاش برای ایجاد شرایطی که بتواند زمینه حل سیاسی اختلافات را فراهم کند.

تهران ا از کشورهای منطقه می‌خواهد؟

در بخش دیگری از سخنان پزشکیان، یک نکته مهم درباره آینده امنیت خلیج فارس دیده می‌شود: تهران تلاش دارد کشورهای منطقه را از قرار گرفتن در دو سوی یک صف‌بندی امنیتی دور کند.
پزشکیان با اشاره به روابط ایران با عربستان، امارات، قطر، پاکستان و دیگر کشورهای منطقه گفت تهران به دنبال ایجاد روابط نزدیک‌تر با همسایگان است و معتقد است کشورهای منطقه می‌توانند بدون اتکا به قدرت‌های خارجی، امنیت خود را تأمین کنند.
او تأکید کرد: «تمام کشورهای منطقه باید بنشینند و صلح و امنیت را در منطقه ایجاد کنند.»
رئیس‌جمهور ایران همچنین گفت کشورهای منطقه می‌توانند ضمن حفظ تفاوت‌های سیاسی و فکری خود، در چارچوب امنیت منطقه‌ای با یکدیگر همکاری کنند و زمینه توسعه اقتصادی را فراهم آورند.

توپ در زمین آمریکاست

مواضع مقام‌های ایرانی نشان می‌دهد که برای باز شدن هرمز، تهران میان دو مرحله تفاوت قائل است. مرحله نخست، ایجاد یک مسیر دریایی مشخص و مورد توافق با کشورهای منطقه است؛ موضوعی که قرار است در عمان درباره آن رایزنی شود و جزئیات آن در اختیار کشورهای شرکت‌کننده قرار گیرد.
مرحله دوم، بازگشایی کامل تنگه است که از نگاه تهران به حل اختلافات سیاسی با آمریکا و بازگشت واشنگتن به تعهدات خود در تفاهم‌نامه اسلام‌آباد وابسته است.
در نهایت، بر اساس موضع رسمی تهران، کلید بازگشایی کامل هرمز در دست همان طرفی است که ایران او را طرف اصلی بحران می‌داند: آمریکا.
اگر واشنگتن به تعهدات مورد اشاره ایران بازگردد، از فشار و اقدام نظامی فاصله بگیرد و مسیر مذاکره را در چارچوب توافقات پیشین دنبال کند، تفاهم عمان می‌تواند از یک سازوکار موقت عبور و مرور به بخشی از یک ترتیبات پایدارتر منطقه‌ای تبدیل شود. در غیر این صورت، ابتکار عمان می‌تواند بخشی از تبعات بحران را مدیریت کند، اما به تنهایی قادر نخواهد بود گره اصلی هرمز را باز کند؛ گرهی که در روایت تهران، بیش از آنکه در آب‌های خلیج فارس باشد، در تصمیم سیاسی واشنگتن قرار دارد.

نگاهی بر نتایج پژوهش فدرال رزرو دالاس؛

شیل آمریکا از جهش نفت جا ماند

از زمانی که تولید نفت شیل آمریکا بالا گرفت، یک ویژگی آن بیش از بقیه مورد توجه قرار داشت: شیل قرار بود نسبت به نفت متعارف سریع‌تر به تغییر قیمت واکنش نشان دهد. جنگ ایران حالا این بحث را از سطح مدل بیرون آورده و به یک آزمون واقعی تبدیل کرده است. پژوهش «جنگ ایران چه چیزی درباره کشش قیمتی عرضه نفت به ما می‌آموزد؟» رفتار تولید شیل آمریکا در ماه‌های نخست جنگ را بررسی کرده تا مشخص شود این بخش از صنعت نفت آمریکا در کوتاه‌مدت واقعاً چقدر به جهش قیمت واکنش نشان می‌دهد.



شرایط بازار تقریباً همان چیزی بود که باید تولیدکننده را به افزایش عرضه ترغیب میکرد. اختلال عرضه در خارج از آمریکا، نفت را گران کرد و تقاضا برای نفت این کشور هم بالا رفت. متوسط قیمت نفت خام سبک آمریکا که پیش از بحران حدود ۶۱ دلار بود، در ماه‌های نخست جنگ تا ۱۱۵ دلار بالا رفت. صادرات دریایی نفت خام آمریکا نیز یک ماه پس از شروع بحران ۳۸ درصد افزایش پیدا کرد؛ یعنی هم قیمت بالاتر رفته بود و هم مشتری بیشتری وجود داشت.

اما فاصله قیمت و تولید خیلی زود خودش را نشان داد. در مارس ۲۰۲۶ قیمت نفت نسبت به فوریه ۴۱ و شصت و پنج صدم درصد افزایش یافت، در حالی که تولید شیل فقط ۷۵ صدم درصد بیشتر شد. در مقایسه سه‌ماهه هم تصویر چندان تغییر نکرد؛ قیمت حدود ۷۰ صدم درصد بالا رفت و تولید تنها یک و بیست‌و دو صدم درصد افزایش یافت. پژوهشگران این واکنش را با «کشش عرضه» سنجیده‌اند؛ یعنی میزان تغییر تولید در برابر تغییر قیمت. عدد حاصل در هر دو بازه حدود ۰.۰۲ بود، در حالی که بعضی مطالعات قبلی برای شیل آمریکا کشش ۰/۶۲و حتی ۰/۹ برآورد کرده بودند. اگر کشش ۰/۶۲ برقرار بود، تولید باید حدود ۲ و ۴ دهم میلیون بشکه در روز بیشتر می‌شد و با کشش ۰/۹ این افزایش به حدود ۳,۵ میلیون بشکه در روز می‌رسید؛ چیزی که در عمل دیده نشد.

پاسخ فقط در رفتار شرکت‌ها نیست؛ بررسی ۲۱ هزار و ۲۹۹ چاه در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ نشان می‌دهد میانه فاصله میان ورود دکل و آغاز تولید ۵,۷۵ و هفت دهم ماه بوده و فقط ۸ دهم درصد چاه‌ها در کمتر از یک ماه به تولید رسیده‌اند. تازه این زمان از ورود دکل حساب می‌شود، نه از روز تصمیم به حفاری. بنابراین حتی در شیل هم افزایش قیمت امروز نمی‌تواند فوراً به نفت بیشتر در بازار تبدیل شود.

مسئله دوم، قیمت زمان فروش است. شرکتی که امروز برای حفاری هزینه می‌کند، نفت چاه تازه را چند ماه بعد می‌فروشد. در پایان مارس ۲۰۲۶، با وجود جهش قیمت نقدی، قراردادهای تحویل سال ۲۰۲۷ نزدیک ۶۷ دلار در هر بشکه معامله می‌شدند؛ یعنی بازار انتظار نداشت گرانی روزهای جنگ لزوماً ادامه پیدا کند. راه میان‌بر هم چندان باز نبود؛ پیش از جنگ فقط ۲۳۵۷ چاه حفاری‌شده اما تکمیل‌نشده وجود داشت، در حالی که برای رسیدن به افزایشی متناسب با کشش ۰,۶۲ باید بیش از ۱۲ هزار چاه از این نوع تکمیل می‌شد.

این نتیجه فقط درباره واکنش شرکت‌های شیل نیست. پژوهش یک پیام مهم‌تر هم برای تحلیل بازار نفت دارد. اگر عرضه در کوتاه‌مدت واقعاً تا این اندازه کند واکنش نشان دهد، مدل‌هایی که فرض می‌کنند تولیدکنندگان با بالا رفتن قیمت به‌سرعت عرضه را افزایش می‌دهند، ممکن است منشأ و شدت شوک‌های نفتی را درست تشخیص ندهند. به همین دلیل نویسندگان می‌گویند برآورد پایین‌تر از کشش عرضه، برای فهم رفتار بازار جهانی نفت اهمیت دارد.

■ واکنش کوتاه مدت شیل به جهش قیمت نفت

آمریکا فقط به شیل تکیه ندارد و بخشی از تولید نفت این کشور از میادین متعارف خشکی، خلیج مکزیک و آلاسکا تأمین می‌شود، اما اگر قرار باشد بخشی از صنعت نفت آمریکا زودتر به جهش قیمت واکنش نشان دهد، انتظار قبل از هر چیز از شیل است. نتیجه این بررسی هم به همان چند ماه نخست بحران مربوط می‌شود، نه توان تولید آمریکا در افق چندساله. جنگ ایران نشان داد قیمت نفت می‌تواند خیلی سریع تغییر کند، اما تولید تازه حتی در شیل با همان سرعت بالا نمی‌آید؛ فاصله‌ای که برآوردهای خوش‌بینانه‌تر درباره واکنش کوتاه‌مدت شیل را زیر سؤال می‌برد.

کوتاه از جهان

بورس عربستان ریخت

سهام عربستان در معاملات ابتدایی روز یکشنبه ۲۲ شهریورماه کاهش یافت؛ این نخستین واکنش بازار به حملات پهپادی به خط لوله حیاتی نفت خام «شرق-غرب» این کشور بود.

شاخص اصلی بورس عربستان تاسی (TASI) یک درصد افت کرد. کاهش ۰.۸ درصدی سهام بانک الراجحی و افت ۲.۴ درصدی سهام شرکت معادن عربستان از عوامل فشار بر شاخص بودند.

سهام غول نفتی آرامکوی سعودی نیز ۱.۱ درصد کاهش یافت. در همین حال، سهام شرکت پالایش و پتروشیمی رابغ با سقوط ۷.۳ درصدی، بدترین عملکرد را در معاملات این جلسه به ثبت رساند.

رونمایی بسته اقتصادی چین در هند

شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، روز یکشنبه مجموعه‌ای از ابتکارات را در حوزه‌هایی از هوش مصنوعی گرفته تا تجارت رونمایی کرد که هدف آنها تعمیق همکاری میان اقتصادهای نوظهور «بریکس بزرگ» است؛ در شرایطی که پکن می‌کوشد این گروه را به بستری عملی برای توسعه کشورهای «جنوب جهانی» تبدیل کند.

به گزارش خبرگزاری شینهوا، وی در نشست سالانه رهبران بریکس در دهلی‌نو گفت: موفقیت «ابتکار بریکس بزرگ» به ایجاد پایه‌ای مستحکم برای همکاری‌های عملی و اجرایی بستگی دارد.

شی در نشست اختتامیه اجلاس افزود: کشورهای «بریکس بزرگ» باید همکاری‌های خود را بیش از پیش گسترش دهند، ثبات زنجیره‌های صنعتی و تأمین را حفظ کنند و برای ایجاد یک بازار یکپارچه تلاش کنند.

رئیس‌جمهور چین همچنین اعلام کرد: این کشور در راه‌اندازی «منطقه متن‌باز هوش مصنوعی بریکس» پیشگام خواهد شد. هدف این طرح گسترش همکاری در زمینه مدل‌های زبانی بزرگ، آموزش هوش مصنوعی و ایجاد یک اکوسیستم باز هوش مصنوعی است.

اجلاس بریکس ۲۰۲۶ امروز به کار خود پایان داد.

سیاست پولی سخت‌گیرانه به جهان برمی‌گردد

روزنامه فایننشیال تایمز گزارش داد، هفته پیش رو یک هفته بسیار مهم برای بانک‌های مرکزی جهان است؛ فدرال رزرو آمریکا، بانک مرکزی ژاپن و بانک انگلستان تصمیم سیاست پولی دارند و مسئله مشترک همه آنها، بازگشت فشار تورمی به‌ویژه به‌دلیل افزایش قیمت انرژی است.

فدرال رزرو این هفته در شرایطی برای تعیین نرخ بهره تشکیل جلسه می‌دهد که تورم آمریکا دوباره شتاب گرفته و افزایش قیمت نفت نگرانی‌ها درباره تداوم فشارهای تورمی را تشدید کرده است. تورم سالانه آمریکا در ماه اوت به ۳.۴ درصد رسید و بازارها احتمال افزایش ۲۵ واحد پایه‌ای نرخ بهره را بالا می‌دانند. چنین تصمیمی در تضاد با خواسته دونالد ترامپ خواهد بود که بارها خواستار کاهش هزینه استقراض شده است. افزایش نرخ بهره می‌تواند فشار بیشتری بر بازار اوراق، هزینه وام مسکن و تأمین مالی شرکت‌ها وارد کند، اما فدرال رزرو اکنون بیش از هر چیز نگران تثبیت تورم در سطوح بالاتر از هدف ۲ درصدی خود است.

آمریکا: مهم‌ترین اتفاق، نشست دو روزه فدرال رزرو در ۱۵ و ۱۶ سپتامبر است. بازار حدود ۸۵ درصد احتمال می‌دهد فدرال رزرو نرخ بهره را ۲۵ واحد پایه افزایش دهد. تورم سالانه آمریکا در اوت ۳.۴ درصد بوده و جهش نفت و نگرانی درباره بدهی حدود ۴۰ تریلیون دلاری دولت آمریکا، فشار روی بازار اوراق را افزایش داده است. نکته سیاسی جالب هم این است که ترامپ خواهان کاهش نرخ بهره است؛ بنابراین افزایش نرخ توسط فدرال رزرو عملا در جهت مخالف خواسته او خواهد بود.

ژاپن: بانک مرکزی ژاپن هم این هفته می‌تواند نرخ بهره را ۲۵ واحد پایه افزایش دهد. بازار حدود ۷۵ درصد احتمال چنین اقدامی را در نظر گرفته است. اهمیت این تصمیم فقط برای ژاپن نیست؛ بازارها به‌شدت منتظرند ببینند BOJ درباره افزایش‌های بعدی نرخ بهره چه می‌گوید. بالا رفتن نرخ‌های ژاپن می‌تواند ین را تقویت کند و روی معاملات جهانی مبتنی بر استقراض ارزان ین یا همان carry trade اثر بگذارد.

بریتانیا: برخلاف آمریکا و ژاپن، انتظار می‌رود بانک انگلستان نرخ بهره را در ۳.۷۵ درصد ثابت نگه دارد. اما یک تصمیم دیگر مهم است: احتمال دارد سرعت برنامه Quantitative Tightening یا QT را کاهش دهد؛ یعنی به‌جای کاهش سالانه حدود ۷۰ میلیارد پوند از اوراق دولتی موجود در ترازنامه‌اش، این رقم را به حدود ۵۰ میلیارد پوند برساند. علت، افزایش شدید



بازده اوراق دولتی بریتانیا و نگرانی درباره فشار بیشتر بر بازار بدهی است.

پیام اصلی مقاله روزنامه فایننشیال تایمز این است که جهان دوباره به سمت سیاست پولی سخت‌گیرانه‌تر متمایل شده است. افزایش نفت و انرژی، تورم را دوباره به مسئله اصلی تبدیل کرده و حالا آمریکا و ژاپن ممکن است نرخ‌ها را بالا ببرند، در حالی که بریتانیا فعلاً صبر می‌کند. این روند بعد از آن مطرح می‌شود که ECB همین هفته نرخ بهره را به ۲.۵ درصد افزایش داد.

معاون پیشین سازمان توسعه تجارت:

توافق‌های بریکس نباید روی کاغذ بماند

کیومرث کرمانشاهی، معاون پیشین سازمان توسعه تجارت در گفت‌وگو با خبرنگار تازه‌های اقتصاد با اشاره به برگزاری اجلاس بریکس اظهار کرد: با توجه به شرایط موجود، هرگونه مراوده به‌خصوص در حوزه اقتصاد، نیازمند حل مشکلات سیاسی است و این دو بخش بدون یکدیگر کارایی لازم برای رفع مشکلات کشور را ندارند.



کرمانشاهی با تأکید بر ضرورت مشخص شدن اهداف اقتصادی کشور گفت: در حوزه اقتصادی نیازمند وفاق کلی و هماهنگی در تمام سطوح هستیم. وی ادامه داد: بخش دولتی نیز به‌عنوان سیاستگذار و بخش خصوصی به‌عنوان تصدی‌گر باید با یکدیگر همراه و هماهنگ باشند و توافق‌نامه‌ها و تعهدات مسئولان کشور در نشست‌های اقتصادی بین‌المللی نیازمند پیگیری برای اجرا و تقسیم کار ملی در این حوزه است.

ضرورت تقسیم کار ملی در اقتصاد

معاون پیشین سازمان توسعه تجارت اظهار کرد: نیازمند چابکی، ساماندهی، سازماندهی و هماهنگی در تمام بخش‌های اقتصادی کشور از جمله دولت و بخش خصوصی هستیم.

وی تأکید کرد: در شرایط فعلی برای سیاست‌های اقتصادی و تعاملات بین‌المللی از جمله بریکس باید تقسیم کار ملی صورت بگیرد و تمام بخش‌های کشور از جمله نظام بانکی، گمرک، حمل‌ونقل، بیمه و استاندارد تقسیم کار کنند و هر یک از دستگاه‌ها موظف شوند در پایان هر دوره مالی و هر سال گزارشی به فرمانده اقتصادی ارائه دهند.

کرمانشاهی با بیان اینکه با وجود تصدی‌گری دولت باید سهم بخش خصوصی از کیک اقتصاد ایران افزایش پیدا کند، افزود: اتاق بازرگانی ایران می‌تواند با اتاق‌های بازرگانی کشورهای دیگر مذاکره و تعامل کند، بخش خصوصی باید با ساماندهی و تحرک بیشتر سهم خود را از تجارت دریافت کند.

وی گفت: دولت و بخش خصوصی می‌توانند گزارش خود را به فرمانده اقتصادی کشور ارائه دهند که در این زمینه نیازمند شفافیت در ارائه آمارها هستیم تا در شرایط جنگی کشور بتوان اقتصاد ایران را مدیریت کرد.

توافق‌ها باید عملیاتی شوند

کرمانشاهی تاکید کرد: در حوزه تجارت بین‌الملل باید تحرک داشته باشیم و لازمه این کار این است که تجارت، سیاست و مسائل اقتصادی، به‌ویژه سیاست‌های پولی، بانکی و تجاری، با یکدیگر همراه و هماهنگ شوند تا کارایی مؤثر داشته باشند.

وی تصریح کرد: باید عملیاتی شدن مراودات تجاری، توافقات دو یا چندجانبه و پیمان‌های پولی پیگیری شود و در شرایط فعلی کشور، مسئولان تجاری نباید منتظر بمانند که چه اتفاقی خواهد افتاد.

معاون پیشین سازمان توسعه تجارت ادامه داد: سال‌هاست که در حوزه بریکس، پیمان‌های منطقه‌ای و حتی پیمان‌های دو و چندجانبه در بخش‌های مختلف اقتصادی، توافق‌نامه‌های بسیاری امضا شده، اما متأسفانه اتفاق چشمگیری روی نداده است.

وی افزود: ایران با کشورهایی که همزمان عضو بریکس، شانگهای و اکو هستند، توافق‌نامه‌های دوجانبه زیادی امضا کرده که باید دستاوردهای آن توسط فرماندهی اقتصادی ایران بررسی شود و دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های ذی‌ربط در این زمینه پاسخگو باشند.

■ شفافیت آمار تجارت در شرایط جنگی

کرمانشاهی با توجه به وضعیت جنگی کشور در یک سال گذشته گفت: به دلیل جنگ، محاصره دریایی، بسته شدن تنگه هرمز و محدودیت‌های ناشی از آنها، باید آمارهای تجاری به‌طور شفاف اعلام شود تا دوقطبی ایجادشده در بسیاری از بخش‌ها از بین برود. وی با اشاره به کاهش آمار تجارت ایران به دلیل شرایط جنگی در یک سال اخیر اظهار کرد: باید مسائل سیاسی کشور با کشورهای همسایه، منطقه و جهان حل شود که بریکس نیز جدا از مسائل بین‌المللی و مناسبات اقتصادی و روابط تجاری نیست. این کارشناس ارشد تجارت بین‌الملل تأکید کرد: آمارهای تجاری کشور باید اعلام شوند و نیازمند شفافیت در این زمینه هستیم.

آمریکا از زیر بار بدهی ۴۰ تریلیون دلاری خارج می‌شود؟

اقتصاد آمریکا در نقطه‌ای قرار گرفته که یک عدد بیش از هر چیز جلب توجه می‌کند: ۴۰ تریلیون دلار بدهی. بدهی دولت آمریکا در ماه اوت از این مرز عبور کرد و بدهی فدرال در اختیار عموم نیز در سال ۲۰۲۶ به حدود ۱۰۱ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده است. در چنین شرایطی این پرسش مطرح است که آیا آمریکا می‌تواند به جای افزایش مالیات و کاهش هزینه‌های دولت، با رشد سریع‌تر اقتصاد از بحران بدهی عبور کند؟

این همان روایتی است که اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا بر آن تأکید دارد. بسنت معتقد است رشد پایدار حدود ۳ درصدی می‌تواند با بزرگ‌تر کردن اقتصاد، نسبت بدهی به GDP را مهار کند. او سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی، افزایش بهره‌وری، بازگشت تولید صنعتی و سیاست‌های مالیاتی را موتورهای بالقوه این رشد می‌داند.

با این حال، فاصله میان این هدف و عملکرد فعلی اقتصاد قابل توجه است. بر اساس آخرین برآورد دفتر تحلیل اقتصادی آمریکا، رشد واقعی اقتصاد این کشور در سه‌ماهه دوم ۲۰۲۶ تنها ۱.۵ درصد در نرخ سالانه بوده؛ در حالی که رشد سه‌ماهه نخست ۲.۱ درصد ثبت شده بود. بنابراین رسیدن به رشد ۳ درصدی نیازمند شتاب قابل توجه اقتصاد است.

از سوی دیگر، دفتر بودجه کنگره آمریکا (CBO) پیش‌بینی می‌کند بدهی فدرال در اختیار عموم از ۱۰۱ درصد GDP در سال ۲۰۲۶ به ۱۲۰ درصد در سال ۲۰۳۶ برسد و در صورت تداوم شرایط فعلی، تا سال ۲۰۵۶ به حدود ۱۷۵ درصد GDP افزایش یابد. کسری بودجه نیز از حدود ۱.۹ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۶ به ۳.۱ تریلیون دلار در سال ۲۰۳۶ خواهد رسید.

چالش اصلی این است که CBO رشد واقعی اقتصاد آمریکا در فاصله ۲۰۲۷ تا ۲۰۳۶ را به‌طور متوسط تنها ۱.۸ درصد پیش‌بینی کرده است؛ یعنی ۱.۲ واحد درصد کمتر از هدف ۳ درصدی دولت. در یک دوره ۱۰ ساله، رشد ۳ درصدی اقتصاد را حدود ۳۴ درصد بزرگ‌تر می‌کند، در حالی که رشد ۱.۸ درصدی افزایش حدود ۲۰ درصدی را رقم می‌زند.

تراز تجربه دهه ۱۹۹۰ نیز آسان نیست. آن دوره با رشد بهره‌وری و افزایش مشارکت نیروی کار همراه بود، اما امروز جمعیت آمریکا در حال پیر شدن است، رشد نیروی کار کاهش یافته و هزینه برنامه‌هایی مانند تأمین اجتماعی و مدیکر افزایش می‌یابد. هم‌زمان، استقراض بیشتر دولت می‌تواند از طریق «ازدحام مالی» سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را تحت فشار قرار دهد.

هزینه بهره نیز معادله را دشوارتر می‌کند. CBO برآورد کرده پرداخت خالص بهره دولت فدرال از ۳.۳ درصد GDP در سال ۲۰۲۶ به ۴.۶ درصد در سال ۲۰۳۶ برسد. بنابراین بخشی از دستاورد رشد اقتصادی ممکن است با افزایش هزینه تأمین مالی بدهی از بین برود.

در این میان، هوش مصنوعی مهم‌ترین امید واشنگتن برای افزایش بهره‌وری است، اما CBO با وجود لحاظ کردن اثر این فناوری، همچنان متوسط رشد ۱.۸ درصدی را پیش‌بینی می‌کند. بنابراین مشخص نیست هوش مصنوعی بتواند شکاف میان رشد فعلی و هدف ۳ درصدی را پر کند.

در نهایت، مشکل آمریکا فقط کمبود رشد نیست. CBO پیش‌بینی می‌کند کسری بودجه از ۵.۸ درصد GDP در سال ۲۰۲۶ به ۶.۷ درصد در سال ۲۰۳۶ برسد؛ در حالی که میانگین ۵۰ سال گذشته ۳.۸ درصد بوده است. افزایش هزینه‌های تأمین اجتماعی و مدیکر نیز فشار ساختاری بر بودجه ایجاد می‌کند.

عدد خبر

۱۱۰ لیتر

عباس با صفا، مدیر سامانه هوشمند سوخت اعلام کرد: برای خودروهای نوشماره و خودروهای مناطق آزاد، مجموع نرخ یک و نرخ دو در نرخ سه، در کارتشان شارژ می‌شود؛ یعنی ۱۱۰ لیتر بنزین با نرخ ۱۰ هزار تومان ماهانه در کارت هوشمند سوخت خودروهای سواری شخصی شارژ می‌شود.

۱۶ همت

بهزاد باباخانی، قائم‌مقام مدیرعامل صندوق بیمه کشاورزی خبر داده، صندوق بیمه کشاورزی در سال ۱۴۰۴ حدود ۱۶ همت غرامت به کشاورزان پرداخت کرده که نزدیک به ۹.۵ همت آن مربوط به گندم بوده است.

به گفته باباخانی، این رقم معادل مجموع غرامت پرداختی در سه سال پیش از آن بوده که از مجموع این مبلغ، حدود ۹.۵ هزار میلیارد تومان به گندم، به‌ویژه کشت دیم، اختصاص داشته است. همچنین در این سال حدود ۲.۲ میلیون بیمه‌نامه صادر شد که حدود ۳۵ درصد آنها مشمول خسارت و دریافت غرامت شدند.

ویدئو





